

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری

حمید رضایی*^۱، ابراهیم ظاهری عبدوند^۲

(دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۴، پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۹)

چکیده

ضرب‌المثل‌ها گنجینه‌ای هستند که هم در بازنمایی هویت دینی و هم در نهادینه کردن هویت آن، نقش مهمی بر عهده دارند. بنابراین، برای شناخت رویکردهای دینی در فرهنگ مردم، واکاوی آن‌ها امری ضروری است. در جستار حاضر، مؤلفه‌های شناختی هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری با روش تحلیل محتوا بررسی شده است تا نشان داده شود که چه شناختی و دریافتی از این مؤلفه‌ها در ضرب‌المثل‌ها بازتاب یافته است و کارکرد این نوع شناخت چیست.

مسائل مربوط به خداشناسی، معاداندیشی، نبوت و امامت، احکام عملی دین، قرآن، مکان‌های مذهبی و شخصیت‌های قرآنی به‌عنوان مؤلفه‌های شناختی هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری بازتاب یافته‌اند که در این بین، بیشترین فراوانی مربوط به خداشناسی است. هویت دینی در این ضرب‌المثل‌ها، هم کارکردی روان‌شناختی دارد و هم کارکردی جامعه‌شناختی. افراد با توکل و امید به خداوند و توسل به پیامبر (ص) و امامان (ع) در زندگی خود روحیه امید دمیده و با یادآوری جهان آخرت و صفات جلالی خداوند، کژروی‌های اخلاقی و اجتماعی را اصلاح کرده‌اند. **واژه‌های کلیدی:** ضرب‌المثل‌های بختیاری، هویت دینی، خداشناسی، معاداندیشی و نبوت.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

* Faanid2003@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد.

۱. مقدمه

هویت شامل عقاید و رفتارهایی است که مبنای عمل گروهی از افراد قرار می‌گیرد و بدین‌سان، تشابه گروهی را با هم رقم می‌زند و از سوی دیگر، موجب تمایز این افراد با افراد و گروه‌های دیگر می‌شود.

هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌های اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی و تاریخی که بر همانندی اعضای گروه با یکدیگر دلالت می‌کند یا آنان را در یک دوره زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌نماید (الطای، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

دین نیز به مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی - جمعی گفته می‌شود که درباره مفاهیم امر مقدس سازمان یافته است. این حقیقت غایی را بر اساس تفاوت ادیان با یکدیگر، می‌توان به واحد یا متکثر، مشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیرالوهی و نظیر آن تقسیم کرد (پترسون، ۱۳۷۶: ۲۰). دین پدیده انسانی و جهانی است و می‌توان گفت از ویژگی‌های اساسی و متمایزکننده نوع بشر است و بی‌گمان به اندازه زبان بشر قدمت دارد (بیتس، ۱۳۸۷: ۶۶۸).

از مهم‌ترین زیرشاخه‌های هویت، هویت دینی است. هویت دینی مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی - اجتماعی است که حول یک محور غایی سازمان یافته است و با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، از یک سو سبب همبستگی و انسجام درون‌گروهی در میان اعضای گروه می‌شود و از سوی دیگر، سبب تمایز برون‌گروهی با یکدیگر می‌گردد (رئوفی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). از مهم‌ترین مسائل مطرح در هویت دینی، مؤلفه‌های شناختی، یعنی توحید، نبوت، امامت، اعتقاد به کتب آسمانی، معاد، اعتقاد به مهدویت، اعتقاد به لزوم انجام واجبات دینی مانند نماز و روزه است (همان، ۱۰۹).

آثار به‌جای مانده از فرهنگ عامه، در انعکاس نگرش مردم درباره مسائل مختلف و به‌خصوص به هویت دینی بسیار اهمیت دارد تا جایی که در این باره گفته شده است گاهی مطالعه آثار بازمانده از فرهنگ عامه، چنان روشنگر وضع روحی جامعه هر عصر

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

است که هیچ کتاب جامعه‌شناسی و تاریخی نمی‌تواند چنین پرتوی به زندگانی اجتماعی آن روزگار بیفکند (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۸). ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان بخشی از ادب عامه، از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که از طریق آن‌ها می‌توان به نگرش‌های جوامع درباره هویت دینی پی برد. ضرب‌المثل‌ها

یک نوع رده‌شناسی خاص از الگوهای تفکر محسوب می‌شوند که با استفاده از آن‌ها می‌توان بسیاری از ایده‌های راجع به اینکه افراد هر جامعه چگونه فکر می‌کنند، مفاهیم را درک و پدیده‌های جهان را دسته‌بندی می‌کنند، استخراج کرد و به این نکته پی‌برد که چگونه دانش سستی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (زاهدی، ۱۳۹۱: ۸۲).

ضرب‌المثل‌ها نشان‌دهنده رفتارهای بهنجار، نابهنجار و ارزش‌های ضد اجتماعی هستند که مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند یا رد کرده‌اند؛ بدین سبب بیش از ادبیات مکتوب، شعر و نثر نشان‌دهنده اندیشه‌های اجتماع هستند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۹). موضوع بسیاری از ضرب‌المثل‌ها، مسائل دینی است که از آن میان برخی درباره شیوه ادای فرایض دینی و پاره‌ای از آن‌ها درباره فهم و برداشت نادرست از دین است. همچنین برخی از ضرب‌المثل‌ها، برگرفته از سخنان بزرگان دین و عارفان هستند (تمیم‌داری، ۱۳۹۳: ۸۲). بنابراین، ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان جزئی از فرهنگ عامه، در شناخت نگرش به دین، می‌توانند نقش بسیار مهمی داشته باشند. بر این اساس در این پژوهش، کوشیده می‌شود تا به بررسی هویت دینی انعکاس‌یافته در ضرب‌المثل‌های بختیاری پرداخته شود.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. هدف پژوهش

هدف از این جستار، بررسی مؤلفه‌های شناختی هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری است؛ زیرا در ضرب‌المثل‌ها هم هویت دینی نشان داده می‌شود و هم بدین طریق، رفتار دینی در جامعه فرهنگی مورد نظر نهاده می‌شود. بنابراین، با بررسی ضرب‌المثل‌ها می‌توان به درک و شناخت هویت دینی در این قوم پی برد و دریافت که هویت دینی در این فرهنگ چه کارکردی دارد. برای انجام این پژوهش، ابتدا ضرب

المثل‌های بختیاری بر اساس کتاب‌های *امثال حکم بختیاری* عباس قنبری، *ضرب- المثل‌های بختیاری* کیانوش کیانی و *گنجینه مثل‌های بختیاری* فریبرز فروتن - که از مهم‌ترین کتاب‌ها در این زمینه هستند - بررسی شد. تقریباً از بین پنج هزار مثل بررسی شده، در ۳۶۵ مثل (۷,۳٪) به مؤلفه‌های شناختی هویت دینی، مستقیماً پرداخته شده است که در ادامه، بر مبنای آن‌ها، به واکاوی مسئله هویت دینی در فرهنگ بختیاری پرداخته می‌شود.

۲-۲. پرسش‌های پژوهش

- در ضرب‌المثل‌های بختیاری، بسامد مؤلفه‌های شناختی چگونه و بیشتر به کدام مؤلفه دینی توجه شده است؟
- چه شناخت و دریافتی از مؤلفه‌های شناختی هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری بازنمایی شده است؟
- این دریافت چه کارکردهایی در زندگی افراد دارد؟

۲-۳. پیشینه پژوهش

درباره هویت و طرح مسائل دینی در ادبیات عامه و ضرب‌المثل‌ها، چندین مقاله و کتاب نوشته شده است؛ برای نمونه حسن ذوالفقاری در مقاله «هویت دینی و ملی در ضرب‌المثل‌های فارسی» به این نتیجه رسیده است که مسائل دینی و مذهبی به دلیل آمیختگی شدید با زندگی مردم بازتابی گسترده در ضرب‌المثل‌ها داشته است. وطن، زبان، اقوام، اقلیت‌ها، اسطوره‌ها و قهرمانان ملی، مؤلفه‌های هویت ملی بازنمایی شده در ضرب‌المثل‌های فارسی است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۵۰-۵۱). خرمشاهی در کتاب *قرآن- پژوهشی*، برخی از اصطلاحات قرآنی را در محاوره فارسی بررسی کرده است. وی معتقد است که امثال و حکم قرآنی که در ادب عربی و فارسی به کار می‌رود، فراوان و شمارش‌ناپذیر است (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۱/ ۵۹۶). کاظمی (۱۳۸۰) در کتاب *هویت ملی در ترانه‌های اقوام ایرانی*، نیز هویت ملی و به‌خصوص مسائل سیاسی را در ترانه‌های ایرانی بررسی کرده است.

دربارهٔ هویت دینی و بازنمایی آن در ضرب‌المثل‌های بختیاری تاکنون پژوهشی با این رویکرد انجام نشده است.

۳. جایگاه دین اسلام و مذهب شیعه در فرهنگ عامه بختیاری

تقریباً از نیمهٔ نخست قرن اول هجری، مناطق لرنشین فرصت آشنایی با دین اسلام و پذیرش آن را یافتند. آن‌ها به سبب عواملی همچون تحقیر شدن از سوی دستگاه خلافت، آشنایی بیشتر با دین اسلام و به خصوص حضور و گذر شخصیت‌های مهم مذهبی و امام‌زادگان از زاگرس، با مذهب تشیع آشنا شدند و این مذهب را به عنوان مذهب خود پذیرفتند. اکنون نیز بختیاری‌ها به طور کامل مسلمان و دارای مذهب جعفری هستند و وجود اماکن دینی و مذهبی چون پرستشگاه‌ها، قدم‌گاه‌ها و امامزاده‌های فراوان در خاک بختیاری، نشان‌دهندهٔ روحیهٔ بالای دینی و مذهبی آن‌هاست (علیزاده، ۱۳۸۸: ۲۸۵؛ قنبری، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۴). دربارهٔ نفوذ فرهنگ اسلامی و شیعی در فرهنگ ایرانی گفته شده است که جهان‌بینی اسلامی به شکلی عمیق در ایران نفوذ کرده و به عنوان گنجینهٔ فرهنگ و آداب آنان نسل به نسل منتقل شده و بی‌مانند باقی مانده است و بدین ترتیب، موضوع‌های مذهبی بخش مهمی از تکامل فولکلور آنان را تشکیل می‌دهد (سپیک، ۱۳۸۴: ۱۰۱). این امر در مورد فرهنگ بختیاری نیز صادق است؛ چنان که آداب و رسوم و سنت‌های بختیاری مشحون از اعتقادات و باورهای اسلامی شیعی است. در تمام مراحل زندگی از تولد، ازدواج تا مرگ و در انجام تمام کارها می‌توان این تأثیرپذیری را مشاهده کرد. در این فرهنگ، با تولد کودک، در گوش او اذان و اقامه گفته و در نام‌گذاری‌ها از نام شخصیت‌های مذهبی استفاده می‌شود. در ترانه‌ها و لالایی‌ها او را با اعتقادات مذهبی آشنا می‌کنند. در انتخاب همسر و اشعار خوانده شده در این زمینه، انجام کارها بر باورهای شیعی استوار است و معمولاً نام ائمه^(ع) امیدبخش افراد است و هنگام مرگ نیز فرد را با گفتن شهادتین، تکبیر و نام ائمه^(ع) دفن می‌کنند (حنیف، ۱۳۸۶: ۷؛ حسین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶۷؛ رضایی و ظاهری، ۱۳۹۴: ۴۴). همچنین ادب عامه در فرهنگ بختیاری مبتنی بر اندیشه‌های شیعی است، به خصوص اشعاری که در رثای امامان و به ویژه امام حسین^(ع) سروده و خوانده می‌شود (قنبری، ۱۳۹۱: ۹۷).

۴. خدامحوری و توحیدگرایی

اعتقاد به خداوند وجه مشترک همه ادیان است که «جایگاهی بلند در شرایع آسمانی دارد. اولین سخن در تبلیغ پیامبران، دعوت به توحید و ردّ دوگانه‌پرستی و شرک است» (سیحانی و ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۴۷). توحید نیز مهم‌ترین (۴۶٪ = ۱۶۹ ضرب‌المثل) مؤلفه دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری است. در ارتباط با مؤلفه شناختی توحیدگرایی، سه موضوع در ضرب‌المثل‌های بختیاری برجسته شده است: صفت‌های خداوند، ارتباط انسان با خداوند و نقش اعتقاد به خداوند در تنظیم روابط اجتماعی افراد. درحقیقت در ضرب‌المثل‌های به‌کار رفته در فرهنگ بختیاری، هم درک و دریافت دینی از خداوند ترسیم و هم نقش تربیتی این درک و دریافت در زمینه‌های روان‌شناسی و اجتماعی برجسته شده است.

۴-۱. صفت‌های خداوند

با بررسی صفت‌های خداوند - که در ضرب‌المثل‌ها بازنمایی شده‌اند - می‌توان به شناختی که از خداوند در فرهنگ بختیاری وجود دارد، دست یافت. صفت‌های خداوند به دو دسته صفت‌های ذاتی و خبری تقسیم می‌شوند. در ضرب‌المثل‌های بختیاری، تنها به صفت‌های ذاتی خداوند اشاره شده است؛ یعنی «صفت‌هایی که از طریق عقل برای خداوند قابل اثبات هستند؛ مانند علم، قدرت و حکمت» (حجتی، ۱۳۹۴: ۸) و از صفت‌هایی مانند شنوایی و بینایی - که نشان از انسان‌انگاری خداوند است - اثری نیست. این امر تأثیر فرهنگ شیعه را بر تفکر این قوم نشان می‌دهد.

در برخی از ضرب‌المثل‌ها، اندیشه توحیدگرایی در قوم بختیاری بازنمایی و از این طریق، گفتمان دینی مبتنی بر توحید، در اعصار مختلف نهادینه شده است: «خدا یک و بندس دو: خدا یک و بنده‌اش دوتا است» (قنبری، ۱۳۸۱: ۳۳۶).

این ضرب‌المثل که برای بیان اصرار و پافشاری فرد بر امری استفاده می‌شود، مبتنی بر وحدانیت خداوند است. همچنین برای اعتراض به بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌های اجتماعی نیز به یگانگی خداوند توجه می‌شود. معمولاً این مثل برای افرادی که به بی‌عدالتی در جامعه تمایل دارند، به‌کار می‌رود. از آنجا که خداوند یکی است، پس نباید

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

تبعیضی در جامعه دیده شود؛ زیرا تبعیض زمانی می‌تواند مفهوم داشته باشد که جهان را چند خداوند اداره کند:

«مر چن خدا به ای دنیا هد: مگر چند خدا در این دنیا وجود دارد؟» (همان، ۶۰۰).

در یک دسته‌بندی کلی، صفت‌های خداوند را به دو دسته تقسیم می‌کنند: صفت‌های نشان‌دهنده جمال و جلال خداوند. صفت‌های جمال مستلزم لطف و رحمت حق مانند لطیف، هادی، رازق و محیی است. در عرفان صفت‌های جمال به دو دسته ذاتی و فعلی تقسیم شده‌اند؛ همچون علم، قدرت، اراده، سمع، بصر، حیات، کلام، بقا، خالق، رازق و احیا. صفت‌های جلال که منجر به قهر می‌شوند نیز شامل مانع، قابض، قهار، مذل و ضار است (نجم‌رازی، ۱۳۸۳: ۳۲۱-۳۲۴). در ضرب‌المثل‌های بختیاری به‌خصوص وقتی قصد بر این است تا شناختی از خداوند برای افراد حاصل و از ارتباط خداوند با انسان سخن گفته شود، به صفت‌های جمال خداوند توجه و تصویری لطیف و بخشنده از خداوند ارائه می‌شود.

در این ضرب‌المثل‌ها، خداوند زنده نامیراست. بنابراین، انسان‌ها باید نگاه واقع‌بینانه‌ای به زندگی داشته باشند و بدانند که جز خداوند، همه طعم مرگ را می‌چشند. بدین‌گونه بر اساس ضرب‌المثل‌هایی با این مضمون، افراد درد مرگ را به یکدیگر تسکین می‌دهند:

«نمیر خدایه: نمیر خداست» (قنبری، ۱۳۸۱: ۶۴۵).

عیب‌بینی از جمله رذایل اخلاقی مذموم در فرهنگ ایران اسلامی است؛ چنان‌که امام باقر^(ع) از افراد خواسته است به دنبال عیب و خطای دیگران نباشند تا خداوند نیز با آشکار کردن عیبتان، آن‌ها را رسوا نکند (کلینی، ۱۳۹۴: ۲/۳۵۵). در فرهنگ بختیاری نیز به افراد از طریق ضرب‌المثل‌ها، گوشزد می‌شود تنها خداوند بی‌عیب است و همه افراد دارای عیب هستند. بنابراین، آن‌ها نباید بدین سبب یکدیگر را تحقیر کنند:

«بی عیو خدایه: بدون عیب خداوند است» (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

خداوند رزاق دانسته شده است؛ در نتیجه، افراد باید به خداوند امید داشته باشند و به سبب فقر و کمبودهای اقتصادی، اندوهی به خود راه ندهند:

«رزق و روزینه خدا اده: رزق و روزی را خدا می‌دهد» (همان، ۳۹۵).

خداوند فریادرس انسان‌های بی‌پناه و تنها یاور افراد بی‌یاور است:
«از بی کسی داد به خدا ایاره: از بی کسی پناه بر خدا می‌آورد» (همان، ۴۱۰).
اگرچه پیامبران جایگاهی بسیار والایی دارند، آن‌ها نیز انسان هستند و در برابر خداوند و قدرتش، صاحب هیچ قدرتی نیستند. پس باید گفت که اراده الهی مافوق تمام اراده‌هاست:
«صد هزار پیر و پیغمبر ور یه تلنجه خدانه نیگره: صد هزار پیر و پیامبر جلوی یک ضربه خدا را نمی‌گیرد» (همان، ۴۸۱).
از نظر انسان‌شناسی، باید گفت که در فرهنگ بختیاری، انسان نه تنها موجودی دارای عیب و نقص است؛ بلکه ناتوانی نیز جزو خصوصیات اوست. بنابراین، انسان نیازمند و خداوند فریادرس است:
«بنده تنگ، خدا فریاد رس: بنده نیازمند است و خدا فریادرس» (همان، ۱۸۳).
تنها خداوند متعال از ذات و ماهیت انسان‌ها و اشیا و باطن آن‌ها آگاه است و دیگر آفریده‌ها در این زمینه، شناخت کاملی ندارند؛ در نتیجه، انسان‌ها باید مواظب باشند که درباره دیگران قضاوت نکنند:
«غیودون خدایه: غیب‌دان خداست» (همان، ۴۹۵).
خلاف انسان‌ها، خداوند رحمان و رحیم است و اوست که می‌تواند گناهان و خطاهای بندگان را ببخشد:
«خدا بَحْشِه مردم نی بَحْشِن: خدا می‌بخشد مردم نمی‌بخشند» (همان، ۳۳۱).
بخشایش او نیز به دلیل و سبب، وابسته نیست و به هر کس که بخواهد هر چیزی را می‌دهد:
«خدا ار خو ده نی پرسه کر کی نی: خدا اگر بخواهد بدهد نمی‌پرسد پسر کیستی» (همان، ۳۳۰).
«خالق بودن» صفت دیگر خداوند است. خداوند خالق است که در آفرینش موجودات، آن‌ها را به اشکال مختلف آفریده است؛ در نتیجه، افراد نباید انتظار داشته باشند که همه چیز شبیه به هم باشد:
«ده انگست خدا براور نکرد: ده انگشت را خداوند برابر نکرد» (همان، ۳۸۵).

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

خداوند هم مشکلات را آفریده است و هم راه‌حل آن‌ها را؛ پس بندگان نباید در هنگام گرفتاری‌ها ناامید شوند و باید بدانند که خداوند برای هر دردی، درمانی را نیز خلق کرده است:

«خدا دردها درمونی هم داد: خدا درد را داد درمان را هم داد» (همان، ۳۳۳).
همچنین در این آفرینش تناسب و هماهنگی بین امور را رعایت کرده است:
«خدا در و نیمداری نه سی یک ایسازه: خدا در و پنجره را برای هم می‌سازد» (همان، ۳۳۳).

«راهنما» صفت دیگر خداوند است. اگر انسان به انجام کاری مثبت و سازنده اقدام کند، خداوند وی را برای رسیدن به مقصد راهنمایی می‌کند:
«خدا خوس رهنه نشون آدم ایده: خدا خودش راه را به آدم نشان می‌دهد» (همان، ۳۳۲).

همچنین خداوند ناظر بر تمام اعمال و رفتارها دانسته شده است. بر این اساس از افراد خواسته شده است تا خداوند را در انجام همه کارها در نظر داشته باشند و جانب انصاف را رعایت کنند:

«آدم نوا خدا به کولی کنه: آدم نباید بی‌انصافی و اجحاف کند» (همان، ۷۲).
بر این اساس است که هنگام قضاوت‌های یک‌جانبه و موقعیت متفاوت برای دو فرد یکسان گفته می‌شود:
«خدانه هی خدانه یه بام و دو هوانه: خدای را خدای را یک بام و دو هوا را» (همان، ۳۳۶).

خداوند هم رفع‌کننده مشکلات و هم ایجادکننده آن‌هاست. بنابراین، انسان باید بداند که خداوند اگر فردی را دچار مشکل کند، از سوی دیگر سختی‌های دیگران را حل می‌کند. بنابراین، افراد باید امیدوار باشند که روزی نیز خداوند مشکلات آن‌ها را حل کند:

«خدا یکی نه گُشه، بخت یکی نه گُشه: خدا یکی را می‌کشد بخت دیگری را می‌گشاید» (همان، ۳۳۶).

خداوند صاحب و خالق همه چیز است. بنابراین، اگر چیزی را از انسان گرفت، نباید ناراحت شد؛ زیرا نعمت‌های بسیار زیاد دیگری به انسان بخشیده است:

«خدا یه چی بت داده یه چی زت نگریده: خدا چیزی به تو داده چیزی از تو نگرفته است» (همان، ۳۳۷).

۲-۴. ارتباط انسان با خداوند

برای رابطه بین انسان و خداوند، چهار نوع رابطه: رابطه وجودشناسی، تبلیغی یا ارتباطی، پروردگار-بنده و اخلاقی قائل شده‌اند (ایزوتسو، ۱۳۷۴: ۹۳-۹۵). در ضرب‌المثل‌های بختیاری، از نظر وجودشناسی، خداوند در مرکز عالم هستی و انسان در جایگاهی بسیار پایین‌تر قرار دارد. خداوند، انسان و دیگر موجودات را بر اساس خواست خود آفریده است و انسان نیز باید بر اساس اراده خداوند، عمل و وی را به‌عنوان معبود عبادت کند. البته این رابطه بر نوعی اندیشه جبرگرایانه مبتنی است؛ بدین صورت که خداوند به هر کس هر چه باید، داده است و تلاش انسان نمی‌تواند چیزی را تغییر دهد: «هر چه مقدر خدا بوهه: هر چه تقدیر خدا باشد» (قنبری، ۱۳۸۱: ۶۷۸).

و اینکه هیچ چیزی در جهان جز به خواست خداوند انجام نمی‌شود: «ار نبو امری ز حق، نیفته بلگی ز درخت: اگر امر حضرت حق نباشد، برگی از درخت نمی‌افتد» (کیانی، ۱۳۷۸: ۲۳).

اراده و خواست خداوند، برتر از اراده و خواست انسان‌هاست. بنابراین، اگر خداوند نخواهد، تلاش انسان نمی‌تواند سودمند واقع شود:

«وای به کاری که نسازه خدا: وای به کاری که خداوند راضی نباشد» (قنبری، ۱۳۸۱: ۶۶۶).

البته تقدیرگرایی بدین معنی نیست که انسان، انجام هر کاری را به خداوند نسبت دهد:

«تو رو خوته ز گه ون بلم بگو خواسته خدایه: تو برو خود را از کوه پایین بینداز بگو خواست خداست» (همان، ۲۵۸).

بلکه تقدیرگرایی در این فرهنگ را باید بدین معنی دانست که اگر انسان تلاشی کرد و تلاشش بی‌نتیجه ماند، باید بداند که خداوند چنین مقدر کرده بود. درحقیقت انسان باید نتیجه کار خود را به خداوند واگذار کند:

«کارته بده دست خدا: کارت را به دست خدا بسپار» (همان، ۵۰۸).
توکل نیز بدین گونه معنی شده است که انسان تلاش کند و برای رسیدن به نتیجه مطلوب از خداوند یاری بگیرد. در فرهنگ بختیاری توکلی که به معنی کنار گذاشتن تلاش است، مردود و زیان‌بار دانسته شده است:
«کهره پناه بر خدا، نصیب گرگه: بزغاله پناه بر خدا، سهم گرگ می‌شود» (کبانی، ۱۳۷۸: ۷۷).

از نشانه‌های فرد متوکل نیز این است که پس از تلاش، به نتیجه حاصل شده راضی و در برابر خواست خداوند تسلیم باشد:
«هر چه خدا وت دا، ناشگری مکن: هر چه خدا به تو داد ناشگری نکن» (قبری، ۱۳۸۱: ۶۷۴).

۳-۴. نقش خداشناختی در تنظیم روابط اجتماعی بین افراد و روحیه آن‌ها

دین نه تنها در شکل‌گیری بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی اقوام از قدیم تاکنون نقش داشته است؛ بلکه اعتقادات دینی کارکردهای مختلفی دارد؛ مانند اعتبار بخشیدن به وضع موجود، یکپارچه‌سازی جامعه و نگهداشت ثبات اجتماعی، حفظ خطوط ارتباطی بین مردم، تقویت علایق سیاسی و اجتماعی افراد، تحکیم نظارت اجتماعی و ارائه حمایت‌های عاطفی و هیجانی همچون آرامش، امید، عشق، قدرت، لذت، نشاط، بهجت و استقامت (فضایی، ۱۳۵۶: ۷؛ بیس و پلاگ، ۱۳۸۷: ۶۹۲-۶۹۳؛ آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۲۶۱). در ضرب‌المثل‌های بختیاری، اعتقادات دینی به‌خصوص اندیشه توحیدگرایی، دو کارکرد مهم دارد: ایجاد روحیه امید و تسلی و کارکرد اجتماعی. از جنبه روان‌شناختی با توجه به تصویری که از صفت‌های جمالی خداوند؛ مانند رزاق، نعمت‌دهنده، دانا، راهنما، بخشنده، مشکل‌گشا، ستار، غیب‌دان، توانا و غیره ارائه شده است، همواره روحیه امید و نشاط در بین افراد ایجاد و از آن‌ها خواسته می‌شود در سختی‌ها و مشکلات به هیچ وجه ناامید نشوند؛ زیرا چنین خداوندی بر زندگی آن‌ها ناظر است. از نظر اجتماعی، با توجه به صفت جلالیه خداوند، از مخاطبان و کاربران خواسته شده است تا بر این اساس، روابط اجتماعی خود با دیگران را تنظیم کنند و بدانند خداوند، گناهکاران را مجازات خواهد کرد.

در روابط بین انسان‌ها نیز نوع درک و دریافت دینی افراد بسیار مؤثر دانسته شده است. گفتنی است در این ضرب‌المثل‌ها، در رابطه بین انسان و خداوند و برعکس، بیشتر به صفات جمالی خداوند توجه شده است و در زمینه روابط بین انسان‌ها، بیشتر صفات جلالی خداوند برجسته شده است. علت این است که افراد با شناختن چنین صفاتی از قهر الهی بترسند و در روابط اجتماعی خود، به گونه‌ای نیکو عمل کنند تا مورد مجازات خداوند قرار نگیرند.

در فرهنگ بختیاری از افراد همواره خواسته می‌شود که حقوق همدیگر را رعایت کنند؛ زیرا این اعتقاد وجود دارد که خداوند ممکن است از حقوق بین خود و بندگان چشم‌پوشی کند؛ اما از حق الناس صرف‌نظر نمی‌کند:

«خدا بهر خوس بخشه، بهر مردم نی بخشه: خدا سهم خود را می‌بخشد و سهم مردم را نمی‌بخشد» (قبری، ۱۳۸۱: ۳۳۱).

بر این اساس است که گفته می‌شود:

«واخدا خل، وا رفیق صاف: با خدا کج و لیکن با دوست راست باش» (فروتن، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

افراد نباید در روابط با یکدیگر دروغ بگویند؛ زیرا چنین شخصی دزد خداوند دانسته می‌شود:

«درو گو دز خدایه: دروغگو دزد خداست» (قبری، ۱۳۸۱: ۳۶۳).

در این ضرب‌المثل‌ها، از افراد خواسته شده است تا کینه‌ورزی را کنار بگذارند؛ زیرا افراد کینه‌ورز افرادی هستند که به شناخت خداوند نرسیده‌اند:

«کینه‌شناس خدا مشناس: کینه‌توز خدا نشناس» (همان، ۵۴۳).

افراد نباید به خود، دیگران و موجودات، به چشم تحقیرآمیز بنگرند؛ زیرا همه پدیده‌ها و انسان‌ها آفریده خداوند هستند:

«مو هم نون جویم نعمت خدا: من هم نان جو هستم نعمت خدا» (همان، ۶۲۵).

در این ضرب‌المثل‌ها، یادآوری می‌شود که از افراد خداناترس باید ترسید و از داشتن رابطه با آن‌ها برحذر بود؛ زیرا چنین افرادی دست به انجام هر کاری می‌زنند:

«بترس ز هو که نی ترسه ز خدا: از کسی که ترس از خداوند ندارد بترس» (همان، ۱۶۴).

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

علت خدانشناسی و نداشتن ترس افراد از خداوند نیز داشتن ثروت دانسته شده است:

«آدم مست نه خدانه اشنه نه زمینه: آدم مست نه خداوند را می‌شناسد و نه زمین را» (همان، ۷۱).

در مجموع انسان باید خیرخواه دیگران باشد تا خداوند زندگی او را سامان ببخشد: «یه مرغ بخو سی همسات تا خدا یه شتر بخو سیت: یک مرغ برای همسایه‌ات بخواه تا خدا یک شتر برایت بخواهد» (همان، ۷۳۷).

۵. معاد و قیامت

معاد به معنی بازگشت به زندگی پس از مرگ، برانگیخته شدن اجسام بشری و حاضر شدن آن‌ها در محکمه عدل الهی برای پاداش گرفتن یا مجازات شدن است (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۹/ ۸۹۱؛ طریحی، ۱۹۸۹: ۳/ ۱۱۰). ۸ درصد (۲۹ ضرب‌المثل) از مؤلفه‌های شناختی هویت دینی در ضرب‌المثل‌ها و زبانزدهای بختیاری، مختص اعتقاد به روز قیامت و معاد است. در ضرب‌المثل‌های بختیاری بیشتر به نقش تربیتی، جنبه حسابرسی، مجازات و پاداش موضوع قیامت توجه شده است و بدین ترتیب افراد از کارهای غیراخلاقی و نادرست نهی شده‌اند.

در ضرب‌المثل زیر به صورت آشکار به روز قیامت و حسابرسی در آن روز اشاره شده است:

«قیومت دیر ایا سخت اگه: قیامت دیر می‌آید سخت می‌گیرد» (قنبری، ۱۳۸۱: ۵۰۶). درحقیقت، روز قیامت روزی دانسته شده است که در آن، انسان به‌سبب کارهایی که انجام داده، باید به پاداش یا مجازات برسد. بنابراین، باور به این مؤلفه سبب می‌شود تا افراد نسبت به هم ستم نکنند:

«فردای قیامتی هم هد: فردای قیامتی نیز وجود دارد» (همان، ۴۹۶). بنابراین انسان باید با کنترل غرایز و شهوات خود، به گونه‌ای زندگی کند که در روز آخرت به پاداش برسد:

«بکال سی ثواو آخرت: بکار برای ثواب آخرت» (همان، ۱۸۰).

معاداندیشی سبب می‌شود تا افراد هم در این دنیا به سعادت برسند و هم در آخرت و افرادی که غیر این می‌اندیشند نه در دنیا به رستگاری می‌رسند و نه در آخرت: «نه ای دنیانه داره نه او دنیانه: نه این دنیا را دارد و نه آن دنیا را» (همان، ۶۵۲). از جنبه‌های تربیتی معاداندیشی، تأثیر اجتماعی آن در روابط بین افراد است. اینکه فرد نه در رفتار و نه در گفتارش به دیگران آسیبی بزند و نه به خود ضرری برساند؛ چنان‌که از افراد خواسته شده است قضاوت بدون آگاهی درباره دیگران نداشته باشند تا گرفتار جهنم نشوند:

«سی چه جندم مفت بخرم: برای چه جهنم را مفت بخرم» (همان، ۴۵۷). البته انسان باید بداند که نباید به خاطر سود دیگران، کاری انجام دهد که خود به عذاب جهنم گرفتار شود:

«جندمه خری سی دنیا دیرون: جهنم را برای دنیای دیگران می‌خری» (همان، ۲۷۴). همچنین روز قیامت در معنای نمادین به معنای مدت زمان بسیار طولانی به کار برده شده است:

«فندلیش تا قیامت به پایه: عادت بد تا قیامت برپاست» (همان، ۴۹۸).
«تا فلونی بیاهه صوراسرافیل ادمه: تا فلانی بیاید صوراسرافیل می‌دمد» (همان، ۲۴۴).

۶. نبوت و امامت (نام پیامبران، امامان و امامزادگان)

پس از دو اصل توحید و معاد، اصل نبوت از اصول اساسی دین اسلام است و امامت نیز در کنار عدل، از اصول مذهب شیعه به‌شمار می‌رود. در اندیشه شیعه، امام، خلیفه خداوند و دارای سه درجه است: ولایت تکوینی، مرجعیت دینی و زعامت سیاسی (مطهری، ۱۳۸۴: ۸۵۰). در ضرب‌المثل‌های بختیاری از پیامبران، امامان و امامزاده‌های مختلفی مانند حضرت محمد^(ص)، امام علی^(ع)، امام حسین^(ع)، حضرت عباس^(ع)، امام رضا^(ع)، آل عبا، امامزاده‌ها، حضرت خضر^(ع) و حضرت صالح^(ع) نام برده شده که ۱۱ درصد (۴۰ ضرب‌المثل) از مؤلفه‌های شناختی در این ضرب‌المثل‌ها، مختص به این موضوع بوده است. کاربرد فراوان نام امامان در این زبانزدها به‌خصوص در کنار نام پیامبر^(ص)، اعتقادات شیعی در این قوم را نشان می‌دهد. در ضرب‌المثل زیر نام پیامبر و

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

امام اول شیعیان در کنار هم قرار گرفته است و برای فریادرسی، بدین گونه از آن‌ها کمک خواسته می‌شود:

«جارِ جار محمد (ص) و علی (ع): فریاد فریاد محمد (ص) و علی (ع)» (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۷۰).

نام بسیاری از افراد در فرهنگ بختیاری بر اساس نام پیامبران انتخاب می‌شود و بدین سبب نام پیامبرانه داشتن، بسیار ارزشمند است (همو، ۱۳۹۲: ۱۰۳). این امر در ضرب‌المثل‌های بختیاری انعکاس یافته است:

«به قربون نم پیغمبریت: به قربان نام پیغمبری تو» (همو، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

جز پیامبر اسلام از داستان‌های پیامبران دیگر نیز در ضرب‌المثل‌ها استفاده شده است؛ چنان‌که افرادی را که به دیگران آسیب می‌رسانند، به مار آستین پیامبر تشبیه کرده‌اند:

«چی مار آستین پیامبر: مانند مار آستین پیامبر است» (همان، ۳۰۴).

در ضرب‌المثل‌های بختیاری با تلمیح به این آیه *قُرْآن* «فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَ عَتَوْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَ قَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بَمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف/ ۷/ ۷۷)، گاو پیامبر کشتن مثلی شده است برای بیان کافر بودن:

«مر ایما گا پیامبر کشتیمه: مگر ما گاو پیامبر را کشته‌ایم» (قنبری، ۱۳۸۱: ۵۹۸).

در فرهنگ اسلامی، حضرت خضر نماد زنده بودن است. در فرهنگ بختیاری نیز این موضوع به صورت مثل شده است و به افرادی که بسیار عمر می‌کنند، گفته می‌شود:

«گلال خدر زنده: فرق سر خضر زنده» (همان، ۵۶۱).

از نظر آن‌ها، امامان (ع) نیز ادامه‌دهندگان راه پیامبر (ص) هستند. وقتی فردی از دیگران مالی بگیرد و در راه خدا آن را انفاق کند، برای نشان دادن نیک بودن این گرفتن و بخشودن گفته می‌شود:

«به راه علی استونم به راه خدا می‌دهم: به راه علی (ع) می‌گیرم و در راه خدا انفاق می‌کنم» (همان، ۱۹۶).

افراد ستم‌دیده نیز برای تسکین درد خود و برای بازداشتن ستمکاران از ستم کردن، همواره آن‌ها را از مجازات شدن از سوی خداوند و امامان برحذر داشته‌اند:

«ار خدا نی حضرت عباس^(ع) هد: اگر خدا نیست حضرت عباس^(ع) هست» (همان، ۹۶).

وقتی فردی به سختی بیفتد و طلب یاری داشته باشد، می گوید:
«روغن ریحه نرزه حضرت عباس^(ع)؛ روغن ریخته نذر حضرت عباس^(ع)» (همان، ۴۰۲).

موضوع جانشینی پیامبر و ایجاد اختلاف بین مسلمانان نیز سبب شده است تا برای اشاره به اختلافات چنین ضرب-المثلی ساخته شود:
«علی عمر کردن: علی عمر کردن» (همان، ۴۹۱).

هر چیزی که منسوب به امامان باشد، بسیار ارزشمند دانسته می شود؛ بنابراین برای بیان ارزشمندی چیزی آن را تحفه شاه خراسان، امام رضا^(ع) می دانند:
«منی تحفه شاه خراسونه: مثل اینکه هدیه شاه خراسان است» (همان، ۶۱۴).

در برخی از ضرب المثل ها نیز از امامزاده ها یاد شده است که از آن ها انتظار می رود افراد را شفا دهند و مشکلاتشان را رفع کنند:
«پیری که معجز نداره به پابوسس نی رن: پیری که معجزه ندارد به پابوسش نمی روند» (همان، ۲۳۱).

۷. فروع و احکام عملی دین

علاوه بر اصول دین، فروع دین، یعنی نماز، روزه و حج و مانند این نیز در ضرب المثل های بختیاری بازتاب یافته است (۱۱/۴۰ = ضرب المثل). در این ضرب المثل ها از افراد خواسته شده است به فروع دین عمل کنند و در صورت سرکشی، فرد سرکش را به شیوه های مختلفی طرد می نمایند؛ چنان که درباره افراد تارک الصلاة، گفته می شود:
«نون بی نماز حرمه: نان بی نماز حرام است» (همان، ۶۴۸).

بر اساس ضرب المثل های بختیاری، از افراد نمازخوان، انتظار می رود کاری خلاف دین انجام ندهند. بنابراین، افرادی که در ظاهر حفظ صلاح می کنند و در خفا به کارهای خلاف شرع می پردازند، مسلمان نیستند؛ چنان که درباره آن ها گفته می شود:
«ظاهر نما چارچوله باز شو به دزدی روز به نماز: ظاهر نمای حيله گر، شب به دزدی روز به نماز» (همان، ۴۸۶).

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

البته در انجام امور شرعی باید به همه عمل کرد نه اینکه به یکی عمل کرد و به دیگری بی‌توجه بود:

«عروس بی‌جهاز، روزه بی‌نماز، تیکه بی‌پیاز: عروس بدون جهاز، روزه بدون نماز لقمه بدون پیاز» (همان، ۴۸۹).

در انجام اعمال عبادی نیز انسان باید حضور قلب داشته باشد و با تمام وجود در محضر خداوند حاضر باشد:

«نماز ایخونی یا فرک ایکنی: نماز می‌خوانی یا فکر می‌کنی» (همان، ۶۴۴).

این باور وجود دارد که انسان باید به عبادت بپردازد و در عبادت و نمازش خلوص داشته باشد. اینکه چه واژه‌ای به کار می‌رود، چندان مهم نیست:

«پشگل بز پشگل میش الله اکبر: سرگین بز سرگین گوسفند الله اکبر» (همان، ۲۲۰).

این اعتقاد نیز وجود دارد که افراد عابد، چهره و ظاهر جسمانی متفاوت با دیگران دارند و چنین افرادی را از نشان چهره‌شان می‌توان شناخت:

«رنگ و ری سهرت ز نماز و روزه‌هاته: رنگ و چهره سرخت از نماز و روزه‌هات است» (همان، ۳۹۸).

درباره حج، این نظر وجود دارد که اگر فرد از نظر مالی مشکلی ندارد؛ اما به دلایل دیگر نمی‌تواند به حج برود، با دادن مال به فقیران و نیازمندان نزدیک، می‌تواند ثوابی را که از رفتن به حج نصیبش می‌شود، به دست آورد:

«حج دم حونه آدمه: حج در خانه آدم است» (همان، ۳۰۸).

ارث از دیگر مسائلی است که در اسلام دستورهای مختلفی درباره آن داده شده است. اولین گروهی که ارث به آن‌ها تعلق می‌گیرد، عبارت‌اند از: «پدر و مادر و اولاد میت است و با نبودن اولاد، اولاد اولاد او. هر چه پایین‌تر روند (البته هر کدام از آنان که به میت نزدیک‌تر است) و تا یک نفر از این گروه باشد، گروه دوم ارث نمی‌برند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۵۹). در ضرب‌المثل‌های بختیاری ارث نمادی شده است برای هر حق واجبی که انسان به هر شیوه باید آن را به دست آورد:

«ارث بووت زم ایخوی: ارث پدرت را از من می‌خواهی» (قنبری، ۱۳۸۱: ۹۴).

در اسلام هر کاری که فرد انجام می‌دهد دارای یکی از این پنج حکم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح. در ضرب‌المثل‌های بختیاری حکم حرام و حلال انعکاس یافته است. یکی از امور واجب پرداخت مهریه به همسر است که البته همسر می‌تواند آن را به شوهر ببخشد. این امر دستمایه ساختن ضرب‌المثلی شده است؛ چنان‌که وقتی فرد به مشکلاتی گرفتار می‌شود، برای رهایی از آن مشکل می‌گوید مهریه‌ام را به تو بخشیدم و خود را از دست تو رها کردم.

«مهر حلال و جون آزاد: مهریه حلال و جان آزاد» (همان، ۶۲۶).

همچنین بر اساس اعتقادات دینی، کفن را باید از مال حلال تهیه کرد. بر این اساس است که در ضرب‌المثل‌ها آمده است:

«دایه کفن حلال سی مو بجور: ای مادر کفن حلالی برایم بیاب» (همان، ۳۵۸).

در فرهنگ بختیاری، این اعتقاد نیز وجود دارد مالی را که از راه حلال به‌دست آمده است، هرگز کسی نمی‌تواند در آن خیانت کند:

«مال حلال ایا سر جاس: مال حلال سر جای خودش می‌آید» (همان، ۵۸۹).

بنابراین افراد باید درستکار باشند و مال حلال خودشان را آمیخته به حرام نکنند:

«مال حلال خمه حروم نی‌کنم: مال حلال خودم را حرام نمی‌کنم» (همان، ۵۸۹).

انسان می‌تواند از مال حلال خودش استفاده کند؛ هر چند به نظر دیگران این امر خوشایند نباشد:

«شیر میش به دهن بره خس حرم نی: شیر میش به دهان بره خودش حرام نیست» (همان، ۴۷۷).

زنا از امور منفور و حرام در فرهنگ بختیاری است و فرزندان چنین عملی، مطرود هستند. در این فرهنگ این اعتقاد وجود دارد که افراد حرامزاده کارهای خلاف شرع انجام می‌دهند:

«ار حرومزاده نبوره به هاردنگ نی اوفته: اگر حرامزاده نباشد به هاردنگ نمی‌افتد» (همان، ۹۵).

۸. قرآن، واژه‌ها و عبارات مذهبی

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

از زمان ورود اسلام به ایران، تأثیر *قرآن* را در ادبیات فارسی - چه نظم و چه نثر - می‌توان یافت.

قرائت *قرآن* مجید و حفظ آن به‌ویژه در اوایل اسلام، از نخستین واجبات مسلمانان بوده است و اوامر و نواهی آن، در دل‌هایشان نقش بسته و آیات آن بر زبان گویندگان و خاصه نویسندگان جاری بود و در هر کاری از دین، شرع، لغت و انشاء گرفته تا تهذیب اخلاق، تدبیر منزل، سیاست و تدبیر مملکت مرجعیت یافته بود. خطیبان و نویسندگان اسلوب آن را در خطابه‌ها و نوشته‌های خود اقتباس می‌کردند و در مؤلفات خود به آیات آن تمثیل می‌جستند و آداب و تعالیم آن در اخلاق و اطوار ایشان آشکار گشته بود (حلی، ۱۳۷۷: ۱۲).

بنابراین آمیختگی نسبی بین تفکر ایرانی و *قرآن* ایجاد شد که نشان این آمیختگی را می‌توان در جلوه‌های مختلف کلام به‌خصوص زبانزدها و ضرب‌المثل‌ها مشاهده کرد؛ چنان که ۹ درصد (۳۳ ضرب‌المثل) از مؤلفه‌های شناختی دین در ضرب‌المثل‌های بختیاری مربوط به آیه‌های *قرآن* و واژگان مذهبی است. اقتباس از *قرآن* در ضرب‌المثل‌های مورد بررسی، به صورت واژه، عبارت و شبه‌جمله است - صرف‌نظر از تأثیر محتوایی - و حتی برخی از این شبه‌جمله‌ها، زبانزد شده‌اند. در فرهنگ بختیاری مانند بیشتر فرهنگ‌ها زیاده‌گویی امری ناخوشایند است، جز سخن گفتن از *قرآن* و پرگویی‌ها کردن درباره آن:

«پر گدن به قرآن خدا خشه: پرگویی به *قرآن* خدا خوش است» (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۱۸).
البته نباید تنها به *قرآن* خواندن اکتفا کرد؛ بلکه عمل کردن به آموخته‌ها فایده‌مند است؛ چنان‌که گفته می‌شود:

«گراز به قرون خدا ز غله به در نی‌ره: گراز با *قرآن* خدا از غله بیرون نمی‌رود» (همان، ۵۵۲).

برخی از ضرب‌المثل‌ها نیز ریشه در *قرآن* دارند یا اینکه از واژگان و شبه‌جمله‌های قرآنی و مذهبی استفاده می‌شود که به مفاهیم مختلفی مانند قطع امید کردن، شروع به کار، عمل کردن، خوب بودن اشاره دارند و افراد از طریق آن‌ها، نظرگاه‌ها و حالت‌های روانی مختلف خود را نشان می‌دهند؛ مانند

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه ----- سال ۶، شماره ۲۱، مرداد و شهریور ۱۳۹۷

فاتحه‌خوانی بیان‌کننده قطع امید کردن: فاتحه‌سرخون: فاتحه‌اش را بخوان» (همان، ۴۹۵).

بسم‌الله گفتن نشان‌دهنده شروع کار: «بیل مو بگم بسم الله: بگذار من بگویم بسم الله» (همان، ۲۱۳).

صلوات فرستان برای پایان دادن به مشاجرات و درگیری‌ها: «برگشته‌ها صلبات: برگشته‌ها صلوات» (همان، ۱۷۴).

الله‌اکبر برای بیان شگفتی: «درخت گردو که ایقدر، درخت خربزه الله‌اکبر: درخت گردو که این اندازه است درخت خربزه الله‌اکبر» (همان، ۳۵۹).

الحمدالله برای بیان سپاس: «چل رهدیم چار اویدیم، الحمدلا شاد اویدیم: چهل (نفر) رفتیم چهار آمدیم، الحمدالله شاد آمدیم» (همان، ۲۸۸).

ماشاءالله برای رساندن مفهوم آوازه و شهرت: «ز دیر ماشالا: از دور ماشاءالله» (همان، ۴۱۵).

الحکم‌الله برای بیان تسلیم بودن: کیزه نوا صدا کنه حالا که صدا کرد هر چه بو الحکم‌الله: کوزه نباید صدا کند حالا که صدا کرد هر چه باد الحکم‌الله» (همان، ۵۴۱).

قل هو الله برای قسم و نشان‌دهنده اعتقاد توحیدگرا: «بی دون قل هو الله: به این دانه‌های قل هو الله» (همان، ۲۰۹).

ایاک نعبد و ایاک نستعین گفتن برای اشاره به پذیرش تفاوت در امور: «یه جایی هد یاک نعبد یه جایی هد یاک نستعین: یک جایی هست یاک نعبد یه جایی هست یاک نستعین» (همان، ۷۳۲).

لاحول برای بیان مفهوم ترس: «لاحول و ولایه: لا حول و ولایست» (همان، ۵۷۵).
اشهد گفتن برای بیان ایمان آوردن و انجام کار نیک: «اشد به زونس نگشت: اشهد بر زبانش جاری نشد» (همان، ۱۱۳).

قربه الی الله مظهر داشتن خلوص: «سری دارم پر ز گناه، پاکم بکن بهر خدا قربه الی الله: سری پر از گناه دارم، مرا برای رضای خدا پاک کن، قربه الی الله» (همان، ۱۴۸).

۹. مکان‌ها و شهرهای مذهبی در ضرب‌المثل‌های بختیاری

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

مکه، مدینه، مسجد و قبله، از جمله شهرها و مکان‌هایی هستند که در ضرب‌المثل‌های بختیاری به آن‌ها اشاره شده است که نسبت به دیگر مؤلفه‌های شناختی کاربرد کمتری (۷٪ = ۲۵ ضرب‌المثل) داشته‌اند. بر اساس ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ بختیاری این مکان‌ها و جای‌ها، عزیز، ارزشمند و مقدس هستند. از آنجا که شهر مکه، به سبب کعبه و قبور معصومین^(ع)، از مهم‌ترین شهرهای مذهبی شیعیان است، در نزد همه مسلمانان به‌خصوص شیعیان ارج و قرب خاصی دارد. در ضرب‌المثل‌های بختیاری نیز برای بیان آنچه پاک و عزیز است، گفته می‌شود:

«اگوی گل مکیه: گویی خاک مکه است» (همان، ۱۲۷).

در کنار مکه همچنین از مدینه به‌عنوان یک شهر مذهبی و مقدس دیگر نام برده شده است:

«زهرآ نبو سکینه، مکه نبو مدینه: زهرآ نباشد سکینه مکه نباشد مدینه» (همان، ۴۲۷).

در جنگ‌های مختلفی همواره کعبه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های مقدس مورد تعرض کافران و دشمنان قرار گرفته است؛ برای نمونه در سال سوم حکومت یزید، سپاه شام به فرماندهی ابن نمیر هر روز هزار سنگ بر کعبه فرود می‌آوردند، خانه را با منجنیق سنگ‌باران کردند و ویران ساختند (بصام، ۱۳۹۴: ۳۴۷). در فرهنگ بختیاری با تلمیح به این حوادث، برای بیان حادث شدن کارهای بزرگ، چنین ضرب‌المثلی ساخته شده است:

«مر برد وسته من کعوه: مگر سنگ در کعبه افتاده است» (قنبری، ۱۳۸۱: ۵۹۹).

مسجد نیز در فرهنگ بختیاری، مقدس است و از طریق ضرب‌المثل‌ها، دیگران را از انجام دادن کارهای غیرشرعی در کنار آن برحذر داشته‌اند:

«مر پشت مسجد دهل زیدمه: مگر بر بام مسجد دهل زده‌ام» (همان‌جا).

۱۰. شخصیت‌های منفی دینی

در قرآن و اعتقادات دینی، از شخصیت‌های منفی بسیاری نام برده شده است که از میان آن‌ها، در ضرب‌المثل‌های بختیاری به دجال و به‌خصوص به شیطان و کافر- با فراوانی ۸ درصد = ۲۹ ضرب‌المثل- توجه شده است. درباره دجال این باور وجود دارد که

صاحب خری است که مدفوع آن خرماست (فرهنگ معین، ذیل واژه). در ضرب‌المثل‌های بختیاری خر دجال با این ویژگی، نماد امر شگفت است: «میر حر حرمارین دیدن: مگر خری که مدفوعش خرماست (خر دجال) دیده‌اید» (قنبری، ۱۳۸۱: ۶۳۰).

و خر دجال نماد افراد و مکان‌های پرازدحام و شلوغ است:

«حر دجال: خر دجال» (همان، ۳۱۰).

براساس اعتقادات دینی، شیطان شخصیتی است که هرگز بخشیده نمی‌شود. در فرهنگ بختیاری نیز این امر نمادی شده است برای بیان هر نوع کاری نشدنی: «به بچه شیطون گدن خدا بووته بیامرزه، گد: حرفی که نشوه: به بچه شیطان گفتند خدا پدرت را بیامرزد، گفت: حرفی که نشود» (همان، ۱۹۰).

از دیگر ویژگی‌های شیطان، لجاجت و اصرار بر انجام کارهای نادرست است؛ چنان که بر این اساس، نمادی شده است برای افراد لجوج:

«سوار خر شیطون بدرو: سوار خر شیطان پیاده شود» (همان، ۴۵۱).

سودجو و بدنام:

«حالا وا شیطون کنجی بکالم: حالا با شیطان کنجد بکارم؟» (همان، ۳۰۷).

«ز شیطون بنم تره: از شیطان بدنام‌تر است» (همان، ۴۱۸).

و مظهري است از افراد فریب‌کار و نیرنگ‌باز:

«شیطون زیر ترازو: شیطون زیر ترازو» (همان، ۴۷۸).

«شیطونه درس اده: شیطان را درس می‌دهد» (همان‌جا).

و افراد شتاب‌کار:

«تعجیل کار شیطون: عجله کار شیطان است» (همان، ۲۵۱).

در فرهنگ بختیاری، انسان بدکار در زمره و گروه شیطان قرار دارد و چنین افرادی، ادامه‌دهندگان راه شیطان دانسته شده‌اند:

«کاری کنه که شیطون شرمس بوهه: کاری می‌کند که شیطان شرمش می‌شود» (همان، ۵۱۴).

«شیطون وجاقس کور نی بو: اجاق شیطان خاموش نمی‌شود» (همان، ۴۷۸).

«بازار شیطون تعطیل نی بو: بازار شیطان تعطیل نمی‌شود» (همان، ۱۶۲).

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

به صورت عام نیز از واژه کافر در فرهنگ بختیاری استفاده شده است. در این فرهنگ، کافران، مظهر افراد بی‌رحم هستند که در کشتن دیگران دریغ نمی‌ورزند: «کافر کشش کرد: کافر کشش کرد» (همان، ۵۱۶).

همچنین آنان احساس و عاطفه ندارند. بنابراین، اگر شخص در وضعیتی باشد که احساسات کافر را نیز برانگیزد، در این صورت آن فرد در نهایت بدبختی و بیچارگی است:

«کافر به حالس گریوه: کافر به حالش گریه می‌کند» (همان، ۵۱۶).

زیاده‌روی در کارها، امری مذموم دانسته شده است؛ اما تنها جایی که می‌توان زیاده‌روی کرد، هنگام غارت مال کافران است:

«مر و مال کافر رسیدیه: مگر به مال کافر رسیده‌ای» (همان، ۵۹۹).

نتیجه

توحیدگرایی مهم‌ترین مؤلفه شناختی هویت دینی بازتاب‌یافته در ضرب‌المثل‌های بختیاری است. در این ضرب‌المثل‌ها هم صفات جمالی خداوند و هم صفات‌های جلالی او بازنمایی شده است. از ضرب‌المثل‌های حاوی صفات‌های جمالی خداوند بیشتر در مواردی که سختی‌ای در زندگی به وجود می‌آید، استفاده می‌شود تا بدین طریق به افراد امید داده و اضطراب آن‌ها زایل شود. کاربرد ضرب‌المثل‌های حاوی صفات‌های جلالی خداوند بیشتر زمانی است که قصد بر اصلاح کژرفتاری افراد است. بنابراین، کارکرد توحیدگرایی در ضرب‌المثل‌های بختیاری، اصلاح معضلات اجتماعی، تنظیم رابطه بین افراد به صورت نیکو و دادن امید به آنان در هنگام سختی‌هاست. از نظر رابطه بین انسان و خداوند در این ضرب‌المثل‌ها، خداوند در مرکز عالم هستی قرار دارد و انسان در مرتبه بسیار پایین‌تر از او. همه چیز را خداوند آفریده است و انسان نیز باید به عبادت خداوند بپردازد، همه چیز را به خدا بسپارد و به او توکل کند. البته توکل در این ضرب‌المثل‌ها بدین معنی است که انسان تلاش خود را بکند و نتیجه آن را به خداوند واگذار کند.

موضوع نبوت و امامت نیز در ضرب‌المثل‌های بختیاری بازتاب یافته که فراوانی نام امامان (ع) در ضرب‌المثل‌ها، نشان‌دهنده اعتقادات شیعه در این فرهنگ است. گذشته از اینکه ریشه برخی از ضرب‌المثل‌ها مربوط به زندگی و حوادث و باورهای مربوط به امامان (ع) و پیامبران بوده است، کارکرد استفاده از نام آن‌ها هم برای نشان دادن ارادت و هم برای جلب کمک بوده است.

در ضرب‌المثل‌های بختیاری، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، حاضر شدن در محضر عدل الهی و حسابرسی در آن‌جا، سبب شده است تا افراد همدیگر را از انجام کارهای غیراخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی برحذر دارند. بازتاب احکام عملی دین مانند نماز، روزه، حج، ارث و احکام آن‌ها همچون حلال و حرام در ضرب‌المثل‌ها، نشان از آمیختگی مسائل دینی و مذهبی با زندگی در این فرهنگ است. بسیاری از واژه‌ها و شبه‌جمله‌های قرآنی و مذهبی، حکم زبانزد را یافته‌اند و برای بیان مفاهیم گوناگون مانند تحسین، شروع کار، قسم و انجام کار نیکو، از آن‌ها استفاده شده است. همچنین به نام شهرها و مکان‌های مختلف مذهبی مانند کعبه، مسجد، مکه و مدینه در ضرب‌المثل‌ها اشاره شده که بیشترین توجه به جنبه‌های مقدس و عزیز بودن این مکان‌ها بوده است. در *قرآن* و سنت دینی، برخی از شخصیت‌ها مانند شیطان، دجال و کافر، شخصیت‌های منفور هستند که متأثر از این منابع، در ضرب‌المثل‌ها به آن‌ها توجه شده؛ چنان‌که برای بیان امر شگفت و شلوغی، به داستان دجال اشاره شده است. شیطان نماد افراد سرکش، سودجو، نیرنگ‌باز و شتابکار، و کافر نیز مظهر افراد بی‌رحم، بی‌عاطفه و بی‌احساس است.

منابع

قرآن.

-آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷). *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هویت دینی در ضرب‌المثل‌های بختیاری ----- حمید رضایی و همکار

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۸۸). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الطایبی، علی (۱۳۷۳). *بحران هویت قومی در ایران*. تهران: شادگان.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۴). *خدا و انسان در قرآن: معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی*. ترجمه احمد آرام. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- بیتس، دانیل و پلاگ، فرد (۱۳۸۷). *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- بصام، محمد (۱۳۹۴). *تاریخ اسلام (از ظهور اسلام تا بنی عباس)*. تاریخ کامل ایران. تهران: یقظه.
- پترسون، مایکل (۱۳۷۹). *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*. ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی. تهران: طرح نو.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۳). *فرهنگ عامه*. تهران: مهکامه.
- حجتی، محمدباقر و حمیدرضا مناقبی (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی درباره صفات خبری». *اندیشه علامه طباطبایی*. س ۲. ش ۲. صص ۷-۳۰.
- حسین‌پور، علی (۱۳۹۱). *فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۷). *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*. تهران: اساطیر.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶). *سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری*. تهران: آینده.
- خرم‌شاهی، بهالدین (۱۳۸۹). *قرآن پژوهشی (۱)*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *مطالعات ملی*. ش ۲. صص ۲۷-۵۳.
- رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبدوند (۱۳۹۴). «تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۳. ش ۷. صص ۴۳-۷۱.
- رثوفی، محمود (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های هویت دینی». *دین و ارتباطات*. ش ۱-۲. د ۱۷. صص ۹۱-۱۱۲.
- سبحانی، جعفر و علی ربانی (۱۳۹۰). *ترجمه محاضرات فی الالهیات به ضمیمه: فرهنگ مصطلحات*. تلخیص و مقدمه علی ربانی گلپایگانی. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی. قم: راند.
- سیپک، پیری (۱۳۸۴). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش.
- طریحی، فخرالدین (۱۹۸۹). *مجمع البحرین*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

- فروتن، فریبرز (۱۳۷۵). *گنجینه مثل‌های بختیاری*. اهواز: خوزستان.
- فضایی، یوسف (۱۳۵۶). *بنیان‌های اجتماعی دین*. تهران: چاپار.
- قنبری، عباس (۱۳۸۱). *امثال حکم بختیاری*. شهرکرد: ایل.
- _____ (۱۳۹۱). *فولکلور مردم بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- _____ (۱۳۹۲). «تأثیر مذهب بر نام‌گذاری مردم چهارمحال و بختیاری». *فرهنگ و ادبیات عامه*. د ۱. ش ۲. صص ۸۴-۱۰۷.
- کاظمی، بهمن (۱۳۸۰). *هویت ملی در ترانه‌های اقوام ایرانی*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۴). *اصول من الکافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسلامی.
- کیانی، کیانوش (۱۳۷۸). *ضرب‌المثل‌های بختیاری*. تهران: مؤلف.
- گل‌سفیدی، مصطفی (۱۳۸۸). *تشیع در بختیاری*. اصفهان: سرو چمان.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). *رسالة توضیح المسائل آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی*. اهواز: پیام عدالت.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- نجم‌رازی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۳). *مرصادالعباد*. به اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Religious Identity in Bakhtiari's Proverbs

Hamid Rezaei*¹, Ibrahim Zaheri Abduvand²

1. Associate Professor in Persian Language and Literature/ Payame –Noor University

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature/ Shahre Kord University.

Received: 15/08/2017

Accepted: 09/05/2018

Abstract

Proverbs are amongst the treasures that play an important role both in representing and internalizing religious identity, therefore, it is essential to analyze and scrutinize these proverbs in order to better understand religious culture of people. In the present research, the cognitive components of religious identity have been investigated through content analysis method in Bakhtiari's proverbs to show how the cognitive and received components of these components are reflected in the counterexamples and what is the function of this cognition? The issues of theology, resurrection, prophet hood, and Imamah, the practical commandments of religion, the Qur'an, religious places, and Qur'anic characters are reflected as the cognitive components of religious identity in the Bakhtiari expressions amongst which the most frequent encompasses the theology. Religious identity in these proverbs has both the psychological and socio- cognitive function. Thus, Individuals relying on God and the principles of prophecy and imamah retrieve the hope in their life and by reminding the resurrection and the glory of God and reform the ethical and social dilemmas.

Keywords: Bakhtiari Proverbs, Religious identity, Theology, Resurrection and prophecy

*Corresponding Author's E-mail: Faanid2003@yahoo.com

